

به همین سادگی از عهده و عده‌هائی برخواهد آمد که در راه نیل به این مقام به مردم فلسطین داده است. او با انبوهی از تناقضهای در هم تنیده رو در روست، که حل هر یک از آنها در گرو وجود راهکارها، ابزار و شرایطی است که دستیابی به آنها، در گرو تغییرات دمکراتیک در ساختار کنونی سازمان آزادیبخش فلسطین و دستگاه رهبری سنتی جنبش الفتح است.

از نظر داخلی، در حالیکه بلافاصله بعد از اعلام پیروزی عباس، سخنگوی حماس ابراز داشت که مخالفت این جریان با روند انتخابات، به معنی عدم همکاری با او به عنوان رئیس حکومت فلسطین نیست و همچون دیگر نیروهای اپوزیسیون خواستار مشارکت جهت ایجاد ابزارهای لازم برای یک رهبری یکپارچه است. نیز به رغم آنکه سایر نیروهای رقیب عباس در جنبش مقاومت اعم از ملی و چپ این انتخابات را به رسمیت شناختند و متعهد شدند که مبارزات خود را برای گسترش دمکراسی درون جامعه فلسطین بر مبنای مسالمت آمیز پیش ببرند اما اختلاف نظر و تفاوت دیدگاه خود در برخورد با مسئله تداوم اشغال فلسطین با او را مورد تأکید قرار دادند. به همین دلیل در حالیکه طرفداران عباس خود را برای برگزاری جشن و سرور مربوط به این پیروزی نه چندان با شکوه آماده میکردند چند موشک دست ساز مقاومت با آرم و نشان اکثر گروه های فعال فلسطینی، به مستمره های یهودی نشین ایجاد شده در نواحی غزه شلیک میشد و تجاوزات نظامی اسرائیل علیه مناطق مسکونی فلسطینی ها نیز در طول و عرض سرزمین های اشغالی تداوم داشت تا یادآور این حقیقت باشد که موضوع اصلی و پایه ای همانا و همچنان مسأله وجود اشغالگر و مقوله چند پارچگی در رهبری مقاومت علیه این اشغالگری است. و این معادله بدون یک پاسخ ریشه‌ای، همچنان لا ینحل باقی میماند.

در کمپ فلسطینیها، بدنبال رایزنی های بعد از انتخابات، میان حکومت به مشارکت شخص محمود عباس با همه گروه‌ها از جمله حماس و جهاد، زمینه دست یابی به تعهدنامه‌ای مبنی بر امتناع از شلیک موشک و ارسال گروه‌های عملیات انتحاری لا اقل برای مدت یک ماه آماده است و سر سخت ترین گرایشات نیز حصول آن را فقط به اعلام تعهد متقابل از جانب اسرائیل منوط میکنند. حتی برخی رهبران مذهبی از جمله مفتی بیت المقدس از لزوم برخورداری جنگجویان از فرصت استراحت سخن میگویند. در آخرین خبرها نیز آمده است که ۳۰۰۰ نیروی امنیتی فلسطینی با ساز و برگ تازه و گویا جدیداً آموزش یافته ماموریت گرفته‌اند تا در مناطقی از غزه مستقر شوند و از نقل و انتقال داوطلبان انتحاری و نیز شلیک موشک به طرف اسرائیلی جلوگیری کنند.

فلسطین ساکن مناطقی هستند که به آنها حق شرکت در انتخابات داده شد.

مصطفی برغوتی کاندیدای مورد حمایت بخش مهمی از نیروهای چپ و دمکرات، از جمله جبهه خلق برای آزادی فلسطین با کسب ۱۹،۸۰ درصد آرا دوم شد. دو کاندیدای دیگر چپ، تیسیر خالد و بسام صالحی از جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و حزب خلق (کمونیست) به ترتیب با ۳،۵۰ و ۲،۶۸ درصد سوم و چهارم شدند و سه کاندیدای مستقل اسلامی با ۲،۶۸ و ۱،۲۷ و ۰،۶۲ درصد پنجم تا هفتم شدند. لازم به ذکر است که دو سازمان بنیاد گرای اسلامی (حماس و جهاد اسلامی) این انتخابات را تحریم کردند و در پاسخ به شایعه مربوط به حمایت غیر مستقیم حماس از مصطفی برغوتی سخنگوی این سازمان موضوع را به شدت تکذیب کرد.

بیش از یک هزار ناظر بین المللی، باضافه صد ها گزارشگر، عکاس و فیلمبردار خارجی جریان انتخابات را زیر نظر داشتند. به جز موارد بسیار معدود و اکثراً قابل تصحیح، گزارشی دال بر مخدوش بودن انتخابات به این ناظران داده نشد. همه کاندیدا های رقیب، با بیانی کم و بیش مشابه انتخاب محمود عباس را به رسمیت شناختند. ناظران رسمی از جمله فرستادگان سازمان ملل، اتحادیه اروپا و اتحادیه کشورهای عربی صحت انتخابات را تأیید کردند و مردم جهان بار دیگر شاهد بودند که خلق فلسطین در تجربه ای متمدانه نمایشی از متانت و نظم پذیری از خود به ظهور رساند. یک بار دیگر صهیونیستها در سعی خود برای جلوه دادن فلسطینی ها بعنوان مردمی خشن و ناآشنا به بازی در صحنه هائی اینچنین از دمکراسی، ناکام شدند. برعکس، افکار عمومی جهان چه در روزهای فعالیت تبلیغات انتخاباتی و چه در روز رای گیری شاهد بودند که ارتش متجاوز و اشغالگرای اسرائیل تا توانست با ایجاد محدودیت در زمینه ارتباط کاندیداها با انتخاب کنندگان فلسطینی و حتی بازداشت و ضرب و شتم کاندیداها به هنگام عبور از نقاط تفتیشی، در روند انتخابات کارشکنی کرد. تا جائیکه رئیس جمهور اسبق آمریکا، جیمی کارتر به عنوان رئیس هیئت ناظران بین المللی ناچار از اعتراض علنی نسبت به محدودیتهای اعمال شده از سوی اسرائیلیها شد و آنها را وادار کرد تا قدری از فشارهای آشکار خود بکاهند. به هر حال بازی کمتر باشکوه و بیشتر نمایشی انتخابات برای کلید زدن رسمی به آغاز دوران بعد از عرفات به سلامتی پایان گرفت و یک هفته بعد محمود عباس مراسم تحلیف به جای آورد.

اینکه محمود عباس در یک روند انتخاباتی قابل پیش بینی، به سادگی موفق شد بر مسند به جا مانده از عرفات صعود کند به معنای آن نیست که

پیروزی قابل پیش بینی محمود عباس



حماد شیبانی

پیروزی محمود عباس در انتخابات ریاست حکومت فلسطین، بویژه بعد از انصراف مروان برغوتی کاملاً قابل پیش بینی بود. در این انتخابات، که روز نهم ژانویه ۲۰۰۵ انجام شد، برخلاف سنت رایج دیگر اعضای جامعه کشورهای عرب، که برای نشان دادن محبوبیت بالا تر از ۹۰ درصدی دیکتاتورها، از شناسنامه ساکنان گورستانها برای بالا بردن شمار آرای داده شده به نفع رجل منحصر به فرد خود استفاده می کنند، مسئول هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات اعلام کرد که از مجموع دارندگان حق شرکت در انتخابات که تعداد آنها کمی بالاتر از یک میلیون و هشتصد هزار نفر است، ۳۰ درصد در انتخابات شرکت نکردند. و محمود عباس با نسبت ۶۲،۳۲ درصد آرای متخذ، به سمت رئیس حکومت انتخاب شد. (فقط یک سوم از مردم



تاریخ یک عجوزه است!

مصاحبه مجله اتریشی پروفیل با
محمود درویش، شاعر فلسطینی

برگردان: فرزانه عظیمی

محمود درویش معروفترین شاعر دنیای عرب است. او که در سال ۱۹۴۲ در ناصریه بنیاد آمده است، گرچه نقش خود بعنوان شاعر ملی را رد کرده، اما همچنان صدای موثر سیاسی باقی مانده است. درویش، که از نگارندگان بیانیه استقلال فلسطینیان در سال ۱۹۸۸ است، پس از معاهده اسلو، پست خود در کمیته مرکزی "پ.ا.ا." را ترک کرد. او در آن زمان گفت "قلب من می خواست به جریان صلح اعتقاد داشته باشد، اما عقل من نه".

پس از سالها مهاجرت، درویش امروز در رام الله و عمان زندگی می کند. در این جا مصاحبه ای را می خوانید که "اینکه گوئنتر" در باره چشم اندازهای صلح در دوران بعد از عرفات، با وی کرده است.

پروفیل: در نامه سرگشاده ای با عنوان "ما از رئیس جمهور منتخب چه می خواهیم"، که شما بعنوان یکی از ۵۰۰ شخصیت برجسته آنرا امضا کرده اید، از سوئی خواهان خودداری از اعمال زور شده اید، اما از سوی دیگر پذیرای کوچکترین سازشی نیستید. کدام خواست شما اهمیت درجه اول دارد.

درویش: خواست دمکراسی و یک جامعه آزاد. اصلی ترین مشکل ملی ما، اشغال سرزمین ما از سوی اسرائیل است. اما این به این معنا نیست که ما همه چیز را باید به پایان یافتن اشغال منوط کنیم.

پروفیل: آیا شما پس از مرگ عرفات، شانس جدیدی برای جریان صلح می بینید؟

برخلاف فلسطینی ها که به هر حال در گزینش عباس پیام جدیدی برای نشان دادن ظرفیت صلح خواهی خویش ارسال کردند، کمترین نشانه ای از خرد ورزی حتی تظاهر به آشتی جویی از جانب اسرائیلیها به چشم نمیخورد. در ترجمه زبان انتخابات، دمکراسی اسرائیلی یک باند فاشیست به رهبری قاتلی چون شارون را با نزدیک هفتاد درصد آرا برمسند نشانده است تا با کمک ارتشی مجهز به همه امکانات برای کشتن دسته جمعی مردم و ویران کردن محله ها و شهرها و شهرها وبا کشیدن دیوار ننگ و محصور و زندانی کردن تمامی فلسطینی ها، به حل بحران رابطه میان هوس اشغالگری و آرزوی زیستن در آرامش بهشت موعود تحقق بخشد. در حالیکه «عرب نامتمدن» و انتخاب کننده «شور» فلسطینی که گویا سودای به دریا ریختن همه یهودیان را در سر داشت، معمار شکست خورده و کم بضاعت و دست بسته اسلو را دوباره به صحنه فرستاده است تا در ظلام جنگل استعمار گلچین آزادی و استقلال او باشد.

در صحنه ای که تماشاچیان در پشت شیشه های غبارآلوده رسانه های اکثرا تحت کنترل، اراده دخالتشان به زنجیر کشیده شده است، به قول محمود درویش فلسطینی ها در شرایط فقدان وحشتناک موازنه قوا جز نشان دادن مظلومیت دهشت آور خود چه به دست خواهند آورد.

شاید از اینروست که امروزه زمزمه های تازه ای در جامعه مدنی فلسطینی شنیده می شود که خاطره بحثهای انسانگرایی سی و چند سال پیش در شب بیداریهای اردوگاههای آموزشی فلسطینی، به بهانه صعود عرفات بر تریبون ملل متحد به یاد میآورد.

سرزمینی که فلسطین میخوانیمش از هزاران سال پیش گهواره یکی از غنی ترین تمدنهای بشری بوده است. این سرزمین نیز، موازی یک ارزشمندی از مدنیتهای گوناگون را میماند که پیوستگی آنها، در عین تفاوتهاشان، خیره کننده است. سرزمینی که در آن برای همه ساکنان امروز و فردای آن نیز با همه گونه گونیهایشان جایی برای زندگی و باروری یافت میشود.

این هفته صلاح صلاح از رهبران قدیمی جبهه خلق برای آزادی فلسطین در یک گفتگوی تلویزیونی از آرزوی تشکیل کشور واحدی سخن گفت که در آن یهود و مسلمان و مسیحی، عرب و غیر عرب، مذهبی و غیر مذهبی، هر انسانی به صفت یک شهروند، بتواند در آن زندگی کند. و این از قدیمی ترین شعارهای آرمانگرایان چپ فلسطینی است. شاید اگر این اندیشه قوت بگیرد، روزی از بطن خود آن اژدهای دریایی را بیرون فرستد که بیش از ۳۰۰ کیلومتر دیوار ننگ و نفرت شارونی را ویران کند و ببلعد.

درویش: من می بینم که یک شبکه جهانی در حال تولید تصویر غیرواقعی است که گویا با مرگ عرفات، بزرگترین مانع در راه صلح برچیده شده است. من فکر می کنم که اینطور نیست. هیچ رهبر دیگری نمی توانست آنچنان منعطف باشد که او می توانست. اما عرفات بیشتر مانعی بود در راه رفرم و مبارزه با فساد.

پروفیل: پس بدین ترتیب در این موارد شانس های جدیدی وجود دارد؟

درویش: عرفات حتی جزئی ترین مسائل زندگی ما را نیز تعیین می کرد، تا حدی که یک وابستگی خطرناک بوجود آمد. در حال حاضر ما به عرفات جدیدی نیاز نداریم، اما به یک مدیر لایق.

پروفیل: آیا "نامه ۵۰۰ نفره" بیشتر این هدف را دنبال نمی کند که رهبری جدید خودمختاری را به پرنسیب های ملی مقید کند؟

درویش: من فکر می کنم، این نامه دولت آینده را تشویق به تلاش برای مذاکراتی جدیدی با اسرائیل، در راه صلح می کند. در عین حال من از این واهمه دارم که ما شاهد ضربه دیگری باشیم. آنچه که ما از آریل شارون می توانیم انتظار داشته باشیم چهار "نه" است: او می خواهد به فلسطینیان نه یک کشور با مرزهای سال ۱۹۶۷ بدهد و نه اورشلیم شرقی را. او حق بازگشت پناهندگان را به همان ترتیبی رد

خیلی وقت است که بهایش را پرداخته ام. شعر یک سفر بی انتها در ناشناخته هاست. شاعر ملی بودن به این معنا نیست که از فلسطین در هر شعری نام برد. ما ثابت کردیم که فلسطینی هستیم، خوب که چه؟ ما چطور ثابت می کنیم که ما نویسندگان، موزیسین ها و هنرمندان خوبی هستیم. امروز من آن چیزی را انجام می دهم که در گذشته جرات آنرا نداشتم: انتشار کتابی با اشعار عاشقانه. وقتی که در آن از "گل رز" نامبرده می شود، خیلی ها هنوز آنرا بعنوان سمبلی برای "سرزمین خونین" تعبیر می کنند. اما عکس العمل ها در شب شعر من در رام اله هنگام خواندن اشعار کاموسوترا، بار دیگر به من نشان داد، که مردم تا چه حد تشنه زندگی هستند، تشنه هنر زیبا. این بیشتر به نفع اسرائیل است تا ما، وقتی که ما خود را تنها بعنوان قربانیان یک رژیم اشغالی به دنیا معرفی کنیم.

پروفیل: شما از "سپیده تلخ استقلال" صحبت می کنید.

درویش: "تلخ"، برای آنکه ما در برابر این سوال قرار داریم که آیا تمامی خونهای ریخته شده، ارزش آن چیز کمی را، داشت که ما احتمالاً بدست می آوریم: حداکثر ۲۲ درصد سرزمین اولیه مان را، یک کشور، که نام فلسطین بر روی آن است، بدون مشخصات واقعی، کشور سمبلیک بدون استقلال واقعی و آزادی.

پروفیل: آیا شما یک کشور دو ملیتی مرکب از فلسطینیان و یهودیان را ترجیح می دادید؟

درویش: این رویای من است، اما متأسفانه یک آرزوی محال. برای رسیدن به آن، ما در درجه اول نیاز به راه حل دو کشور داریم. و یک فرهنگ سیاسی دیگر. تنها شهرک های یهودی نشین، ایجاد یک کشور فلسطینی را غیرممکن می کنند. آنها مانع اصلی برای صلح هستند. در آینده نزدیک من پایانی برای این درگیری نمی بینم. به همین جهت از خود سوال می کنم: آیا اسرائیلی ها نیز به هنگام تفکر در مورد آینده، - همچون ما اسیر کابوس می شوند؟

ملی به خورد مردم بدهد، اما در لیست مسائل و مشکلات روزمره، سوال های مشخصی قرار دارد. از آن گذشته کاریسما می تواند از جمله از راه نوشتن سخنرانی های خوب نیز بوجود آید.

پروفیل: آیا شما حاضرید توان نویسندگی تان را در اختیار عباس بگذارید؟

درویش: من شعر می نویسم و نه مقالاتی که به چه باید کرد، پردازند. این مسئله من نیست. پیام شعرهای من، به فلسطینیان این احساس را منتقل می کند که موجودات انسانی باشند و به آنها کمک میکند که آرامش خود را در زندگی بیابند. اشعار به آنها بخشی از آن چیزی را بر می گرداند، که از دست داده اند. در آنها زیبایی درونی زندگی ما انعکاس می یابد.

پروفیل: اشعار قبلی شما بیشتر از آتش جنگ فلسطینیان مشتعل است.

درویش: در گذشته من مطمئن بودم که فردا بهتر از امروز خواهد بود. در حال حاضر فکر می کنم که همه چیز وارونه اتفاق می افتد. لحظه حال آشفته تر از آینده ای است، که تا جایی که قابل پیش بینی است پیام خوشی ندارد. تاریخ یک عجزه است.

پروفیل: به نظر می رسد که شعر معنای چندجانبه داشته باشد، اینطور نیست؟

درویش: دقیقاً، هیچ شعر خوبی درباره یک پیروزی وجود ندارد. اما من منظورم چیز دیگری است: هرچه انسان جوان تر است، فکر می کند که رشد تاریخی، بطور منطقی در جاده پیشرفت به پیش می رود. اما در واقع این طور نیست. به خصوص وقتی که انسان فکر می کند چه چیزهایی در سطح بین المللی پیشرفته محسوب می شوند.

پروفیل: بسیاری از فلسطینیان شما را بعنوان شاعر ملی خویش می بینند. شما خود را چطور محک می زنید؟

درویش: من نمی خواهم شاعر ملی باشم. شاید یک زمانی بودم. اما خودم را از این نقش رها کردم. این نوع تاثیرگذاری بر وطنم را

می کند که توقف ساختن شهرک های اسرائیلی در کرانه غربی را. به زبان دیگر شارون با "نه" هایش ما را از خوش خیالی هایمان رها کرد. من انتظار هیچگونه پروسه صلح واقعی را ندارم، چرا که نقطه حرکت کاملاً آشکار است: ما فلسطینی ها نمی توانیم بیش از آنچه که تا بحال کرده ایم، از خواست هایمان عقب نشینی کنیم و اسرائیلی ها هم آمادگی دادن چیزی بیش از آنچه شارون به ما پیشنهاد می کند را، ندارند.

پروفیل: محمود عباس می خواهد به عنوان رئیس جمهور، بیش از هر چیز بر همبستگی ملی سرمایه گذاری کند. او امیدوار است که در این حیطه تغییری بوجود بیاید. آیا با او در این امیدهایش همراهید؟

درویش: شاید اسرائیلی ها و آمریکاییها تلاش کنند راه حلی را تحمیل کنند که تفاوتی با موضع گیری شارون نخواهد داشت. به این ترتیب انتقاضه ادامه خواهد یافت.

پروفیل: عملیات انتحاری فقط ضربه به مسئله فلسطین زد. این عملیات فقط بهانه ای را به دست شارون می داد که بتواند در کرانه غربی حصار بسازد.

درویش: زمانی که عباس وزیر عرفات بود، حماس را متقاعد به یک آتش بس کرد. من فکر نمی کنم که شارون احتیاج به بهانه ای برای انجام مقاصدش داشته باشد. عملیات نظامی اسرائیل در واقع حماس را دعوت به انجام عملیات از سوی آنها می کند. الان لحظه ای پیش آمده که آمریکا و اسرائیل در بوته آزمایش قرار گرفته اند. عرفات دیگر وجود ندارد. آنها چه به ما خواهند داد. بگذارید که آنها را امتحان کنیم.

پروفیل: آیا عباس از عهده انجام چنین ماموریتی بر میآید؟ او از کاریسمای لازم برخوردار نیست..

درویش: کاریسما چیزی برای فستیوال هاست. ما امروز به شخصیت های کاریسمائی نیازی نداریم. بدست آنها هیچ مشکلی حل نخواهد شد. گرچه عرفات از محبوبیت خود برای این استفاده کرد که مردم را به سازش هائی (مثل اسلو) راضی کرده و آن را به عنوان دستاورد